

نگنه بازی

چه ایرادی دارد؟



حمید مطهری، سرمربی نساجی قبل از بازی با استقلال حرفی زده که بازتاب‌های منفی زیادی به همراه آورده است. مطهری گفته: «بجایی گل محمدی، علی دایی و امیر قلعه‌نویی شایستگی نشستن روی نیمکت تیم ملی را داشتند.» صدالبته دفاع مربیان ایرانی از یکدیگر اتفاق جدیدی نیست. این دوستان خیلی مواقع پشت یکدیگر می‌ایستند و برای هم نوشابه بازی می‌کنند. با این حال کسانی که این بار از مطهری انتقاد می‌کنند و عقیده دارند او در حال سوگیری صنفی است، یک نکته مهم را نادیده گرفته‌اند؛ اینکه قرار است بعد از جام جهانی جواد نکونام روی نیمکت تیم ملی بنشیند. این اتفاقی است که در عمل و با تصمیم فدراسیون فوتبال قرار است رخ بدهد؛ خوب در این صورت فکر می‌کنید قلعه‌نویی و دایی یا حتی خود مطهری چقدر با نکونام فرق دارند؟

کاش دروغ باشد



همه می‌دانند که در این مدت فشار زیادی از درون تیم ملی علیه اسکوچیچ وجود داشت و برخی بازیکنان برای به زیر کشیدن او از هیچ کاری دریغ نکردند. با این حال شایعه‌ای که اخیراً سر زبان‌ها افتاده بیش از حد ترسناک است؛ اینکه ۳ بازیکن تیم ملی تهدید کرده بودند اگر در اگان روی نیمکت باقی بمانند در ادوی اتریش حاضر نخواهند شد! طبیعتاً نمی‌شود این خبر را تأیید یا تکذیب کرد، اما از صمیم قلب امیدواریم کار دیگر به اینجا نکشیده باشد. این دیگر خیلی «یاده‌روی» است و نشان می‌دهد یک عده بازیکن خودشان را بسیار بالاتر از حدی که هستند فرض کرده‌اند. چنین بدعتی شاید امروز به سود رئیس فدراسیون یا مربی جدید باشد، اما فردا موقعیت خود آنها را هم به ناز و کرشمه‌های همین بازیکنان گره می‌زند.

این را به خود هم بگو



بعد از اخراج مهدی طارمی برابر آلتینکومادرید که به خاطر تمارض در محوطه جریمه رخ داد، فضای سنگینی علیه این بازیکن به وجود آمده است. باشگاه‌های رقیب که از مدت‌ها پیش حملات خود را به طارمی سازماندهی کرده بودند، پناه بسیار خوبی پیدا کردند و حسابی به مهدی تاختند. در این میان سر سرجو کونسینساو، سرمربی پورتو به دفاع از شش‌گارد ایرانی‌اش پرداخت و گفت طارمی از نظر سرعت یکی از ۳ بازیکن برتر لیگ برتر انگل است. در عین حال اما سرمربی پورتو یک جمله جالب دیگر هم به زبان آورد: «شاید کمپین‌هایی علیه او در فضای مجازی تشکیل دادند اما ما مربی و فوتبالیست حرفه‌ای هستیم، پول زیادی می‌گیریم و باید انتقادپذیر باشیم.» کاش اینها را به خود مهدی هم بگویید، شاید به خاطر هر انتقادی ترش نکنند.

آمار بازی

با تغییر سرمربی تیم ملی و بازگشت کارلوس کی‌روش به نیمکت ایران، احتمالاً لیست بازیکنان تیم ملی نیز با تغییراتی روبه‌رو خواهد شد. نخستین خبری که بعد از توافق با کی‌روش منتشر شده، دعوت دوباره از رامین رضاییان بوده؛ بازیکنی که در زمان کی‌روش بازیکن اصلی تیم ملی بود اما در دوران اسکوچیچ حتی یک‌بار هم دعوت نشد. در مقابل، بازیکنی که در دوره اسکوچیچ به بازیکن اصلی تیم ملی بدل شده بود و حالا احتمالاً جایگشای از دست می‌دهد، شجاع خلیل‌زاده است. شجاع در دوران اسکوچیچ حضور تمام‌عیار در بازی‌ها داشت و فقط دو سه بازی او را به خاطر مصدومیت از دست داد. او ۲۵۷ دقیقه برای تیم اسکوچیچ بازی کرد و پنجمین بازیکن پرکار تیم ملی در این دوره بود.

۱۴۳۳

پرکارترین بازیکن تیم ملی در دوره در اگان اسکوچیچ محمدحسین کنعانی زادگان بود که ۱۴۳۳ دقیقه برای این تیم به زمین رفت. تیم ملی تحت هدایت اسکوچیچ مجموعاً ۱۸ بازی رسمی و دوستانه انجام داد و کنعانی در ۱۴۳۳ دقیقه از ۱۶۲۰ دقیقه ممکن درون زمین بود. او بازی دوستانه با الجزایر را به خاطر محرومیت از دست داد و شاید اگر در میدان بود، تیم اسکوچیچ در آخرین مسابقات شکست نمی‌خورد. بعد از کنعانی زادگان به اسامی احمد نوراللهی، صادق محرمی و علی قلی‌زاده می‌رسیم که آنها هم از بازیکنان محبوب در اگان بوده‌اند. این ۳ نفر به ترتیب ۱۳۷۳، ۱۳۳۳ و ۱۳۲۲ دقیقه برای اسکوچیچ بازی کردند. از این جمع احتمالاً صادق محرمی با ورود سرمربی جدید، دیگر جایگاه سابق را نخواهد داشت.

۱۱۶۸

در دوره سرمربیگری اسکوچیچ مجموعاً ۲۸ بازیکن برای تیم ملی به میدان رفتند. دانیال اسماعیلی‌فر، کامیاب‌ترین، سیاوش یزدانی، ابوالفضل جلالی، حسین‌زاده و علی کریمی نفرات آخری لیست هستند که مجموع بازی همه آنها به ۱۰۰ دقیقه نمی‌رسد. اما ۱۱ نفر اول لیست را حسین کنعانی، احمد نوراللهی، صادق محرمی، علی قلی‌زاده، شجاع خلیل‌زاده، وحید امیری، مهدی طارمی، سردار آزمون، علیرضا جهانبخش، سعید عزت‌اللهی و ویراوند تشکیل می‌دهند که میانگین حضور آنها در میدان، ۱۶۸ دقیقه بوده است. بعد از این ۱۱ نفر، امید نورافکن، میلاد محمدی، امیر عبدالزاده، حاج‌صفی و سلمان قدوس نفرات بعدی هستند که رتبه‌های ۱۲ تا ۱۶ را در اختیار دارند. مهدی ترابی در دوره اسکوچیچ فقط ۷۰ دقیقه فرصت بازی پیدا کرد اما احتمالاً هم در دوره جدید فرصت بیشتری خواهد داشت.



Iranian Skoocic

۴

گلوله در قلب دراگان

همه چیز داخل زمین نبود؛ شاید اسکوچیچ قربانی مسائلی شد که به او ربطی نداشت

بهر روز رسایی!

متزلزل‌ترین نیمکت تاریخ تیم ملی ایران سرانجام سقوط کرد و دراگان اسکوچیچ در آستانه جام جهانی از کار برکنار شد. عزل او در شرایطی رخ داد که این مربی رکورد ۸۲ درصد پیروزی در مسابقات مختلف را به جا گذاشته و سریع‌ترین صعود تاریخ تیم ملی ایران به مسابقات جام جهانی را رقم زده بود. فارغ از اینکه تیم ملی از این پس چه نتایج بگیرد، چنین تغییری در تاریخ فوتبال ایران به‌عنوان یک رخداد بزرگ و مهم به جا خواهد ماند. اما حالا زمان مرور بخشی از دلایل زمین خوردن اسکوچیچ باشد؛ سیاهه‌های که خیلی فنی نیست و بعضاً به او مربوط نمی‌شود.

رزومه ضعیف

۱ این بزرگ‌ترین نقطه ضعف اسکوچیچ بود که از آغاز تا پایان وصال گردنش شد و سرانجام او را زمین زد. شاید اگر اسکوچیچ رزومه بهتری داشت و مثلاً پیش از این در یکی، دو تیم ملی منطقه روت نیمکت نشسته بود، این حجم از حملات را تحمل نمی‌کرد. به هر حال اما با کارنامه این مربی، از ابتدا انتخابش برای تیم ملی عجیب بود و تنها به پشتوانه پیروزی‌های سریالی و یک نفس توانست خودش را تا اینجا نگه دارد. هر زمان قصد تحقیر او را داشتند از عبارت «مربی خونه‌به‌خونه» برای صدا کردنش سود می‌بردند. رزومه ضعیف اسکوچیچ این اجازه را داد که انتقادات و حتی اتهامات درست و غلط در هم آمیخته شود و او را در دهره ضعیف کند. از این نظر داستان در اگان شبیه حکایت برانکو ایوانکوویچ در جام جهانی ۲۰۰۶ است؛ کسی که او را هم حسابی آزدند و تیمش را به هم ریختند، اما بعدها نشان داد اقتدرها هم مربی بدی نبوده. آیا اسکوچیچ هم در ادامه دوران حرفه‌اش شایستگی خود را به رخ خواهد کشید؟ کسی نمی‌داند.

تشنج و جنگ قدرت در فدراسیون

۲ اسکوچیچ کمتر از ۳ سال سرمربی تیم ملی ایران بود و این دوران با هرچ ومرج مطلق فدراسیون مقارن شد. او ۴ تیم مدیریتی مختلف را بالای سر خودش دید و نهایتاً از سوی چهارم عزل شد. تشنج و بلاکلیفی فدراسیون نه تنها منجر به لغو مسابقات و اردوهای تدارکاتی شد و زمینه نارضایتی افکار عمومی را فراهم کرد، بلکه جنگ‌های پنهان و پشت پرده به وجود آورد و از نیمکت تیم ملی هم «وجه‌المنافقه» ساخت. رک و صریح است این است که به نظر می‌رسد مهدی تاج برای بازگشت به قدرت متوسل به محبوبیت کارلوس کی‌روش بین گروهی از بازیکنان تیم ملی و نیز بخشی از افکار عمومی شد و نهایتاً هم با عبور از تنش اسکوچیچ، به صحنه خود رسید. چه بسا اگر یک فدراسیون یکپارچه و منسجم در کار می‌بود، بسیاری از این اتفاقات رخ نمی‌داد.

دوقطبی کی‌روش - برانکو

۳ این یکی از همه‌خنده‌دارتر است. اسکوچیچ ناخواسته وارد معادلات رنگی اطراف تیم ملی شد؛ فضایی که از دوران تقابل کارلوس کی‌روش با پرسپولیس‌ها به ارث مانده بود و او را قربانی کرد. جایی برای کنعانی نیست و همه چیز آشکار است؛ پرسپولیس‌ها با کی‌روش مشکل داشتند و در نتیجه بخشی از آنتی پرسپولیس‌ها، تلافی این داستان را بر سر جانشین کارلوس در می‌آوردند؛ حالا هر کسی می‌خواهد باشد. در نتیجه عجیب نبود که اسکوچیچ زمانی که برای تماشای مسابقه استقلال و مس کرمان راهی ورزشگاه آزادی شده بود، از سوی عده‌ای از هواداران «هو» شد. او در حالی مورد بی‌مهری آبی‌ها قرار گرفت که بازیکنانی همچون سیاوش یزدانی، عارف غلامی، مهدی مهدی‌پور، امیرحسین حسین‌زاده و مهدی قائدی در دوران او به تیم ملی رسیدند و کم و بیش به میدان رفتند. در این مدت اقتدر که به یکی مثل حسین‌زاده بازی رسید، به مهدی ترابی پرسپولیس‌ها بازی نرسید. هیچ‌یک از اینها اما مهم نبود. اسکوچیچ تاوان جنگی را می‌داد که اصلاً ناشی از نداشت.

این نسل عجیب

۴ در نهایت هم ضربه آخر را نسل پر توقع و عجیب کنونی از ملی پوشان به اسکوچیچ زد؛ نسل استوری و اینستاگرام، نسلی که به صراحت علیه سرمربی تویت می‌زند، مصاحبه می‌کند و به دیدار مقامات سیاسی می‌رود، نسل تعیین تکلیف برای نیمکت تیم ملی و حتی رئیس فدراسیون... اینکه دراگان چقدر آدم لایق یا سالمی بود یک بحث دیگر است و شاید حتی عزل او به حق بوده باشد، اما کودتا از درون در هیچ تیمی پذیرفتنی نیست؛ اتفاقی که به نظر می‌رسد در بی‌رحمانه‌ترین شکلش برای اسکوچیچ افتاد و فضا را آتشد سنگین شد که تنها ۳ بازیکن حاضر شدند برای او و پیام خداحافظی بنویسند! این اتفاق شاید در فوتبال جهان بی‌سابقه باشد و در آینده هم تکرار نشود.

سوژه روز

گزارش‌های بی‌اعتبار

اطلاعات بسیاری از رسانه‌های خارجی در مورد فوتبال ایران پر از اشتباه است در عادت رایج بین رسانه‌های این است که معمولاً اخبار رسانه‌های خارجی در مورد فوتبال ایران را بیش از حد جدی می‌گیرند؛ یعنی اگر دو خط مطلب در مورد تیم ملی، یک باشگاه مهم لیگ برتری یا حتی یکی از لژیونرهای ایرانی در این رسانه‌ها منتشر شود، خبرگزاری‌ها و مطبوعات داخلی به شدت آن را پررنگ می‌کنند و جدی می‌گیرند. این در حالی است که بسیاری از گزارش‌های تنظیم‌شده از این دست، اعتبار چندانی ندارند و مملو از غلط هستند. آخرین نمونه‌اش هم شاید مربوط به گزارشی باشد که یک سایت انگلیسی به اسم HITC منتشر کرده و در آن از بازیکن خطرناک تیم کشورمان در جام جهانی نام برده است. این شفر عبارتند از مهدی طارمی، سردار آزمون، علیرضا جهانبخش، کریم انصاری‌فرد و الیاس صیادمنش. حالا اینکه از نظر کیفی انتخاب‌های رسانه مزبور در چه سطحی قرار دارد و مثلاً کریم انصاری‌فرد که مدت‌هاست در تیم ملی بازی نمی‌کند چطور ممکن است در چنین فهرستی قرار بگیرد به کنار، نکته بامزه‌تر درج نام صیادمنش است؛ بازیکنی که در همان کشور انگلستان بازی می‌کند، چندی پیش مصدوم شده و همه می‌دانند که به مسابقات جام جهانی نخواهد رسید. یادش به‌خیر؛ کمی قبل‌تر هم یک رسانه اندونزیایی با تمجید از جهانبخش، او را بازیکن ال‌کمبار هلند معرفی کرده بود، در حالی که علیرضا آفضل در برایتسون بازی کرده و الان مدت‌هاست به فاینورد پیوسته است؛ بسیاری از اخبار مربوط به پیشنهادهای خارجی بازیکنان ایرانی هم از همین درجه از اعتبار برخوردار است. از این دست اشتباهات بسیار زیاد دیده شده و تنها یک پیام دارد؛ اینکه نباید مطالب مندرج در رسانه‌های آن طرف آبی را اقتدرها هم مهم بدانیم و اینطور از خود بیخود شویم. خیلی مواقع همینطور یک چیزی برای خودشان می‌نویسند و نباید به صرف اینکه خارجی هستند، به آن پر و بال بدهیم.



فوتبال ایران

از مارکار چه خبر؟

منصور قنبرزاده نام‌رئیس فدراسیون فوتبال در مورد اینکه چرا علاقه وجود دارد تا جواد نکونام در تیم ملی دستیار کارلوس کی‌روش باشد، گفته: «هدف از این انتخاب، جانشین‌پروری است.» خب البته از این حرف‌ها قبلاً هم زیاد شنیده می‌شد و حتی یک مربی ایرانی به اسم آقای مارکار آقاجانین داشتیم که ۸ سال تمام نفس‌به‌نفس کی‌روش کنار او حضور داشت. با این حال بعد از جدایی مربی پرتغالی، به مارکار در لیگ ۳ هم تیم ندادند. صد البته شرایط نکونام فرق دارد و این مربی همین حالا روی نیمکت یک تیم لیگ برتری است، اما اگر واقعا معدن تجارب کی‌روش قابل تزیق به غیر بود، الان جناب آقاجانین که خیلی هم دوستش داریم، حداقل باید هدایت یک تیم در دسته اول را بر عهده داشت. نه؟

اصلاً بگذاریدش جای صمد!

شنیده می‌شود فدراسیون فوتبال بعد از اخذ تصمیم قطعی برای عزل اسکوچیچ، وارد فاز فسخ قرارداد با او شده و به خاطر اینکه به اصطلاح پول مفت ندهد، به اسکوچیچ پیشنهاد کرده در باقیمانده مدت قراردادش سرمربی تیم ملی امید باشد. یعنی اگر به این بنده خدا «فحش» می‌دادند، بهتر از این پیشنهاد بود! مسئولان فوتبال ایران هم اکنون این توانایی را دارند که در اثر تجربیات آسال گذشته، کتابی تحت عنوان «چگونه شخصیت مربی موفق خود را له کنیم» به بازار نشر بدهند. همه کارهایی که دشمن با دشمن نمی‌کند، این آقایان با اسکوچیچ کردند و حالا هم تمهه اعتبارش را با این پیشنهاد از بین بردند. ما که می‌گوییم تیم امید هم زیاد است؛ جانشینی با صمد مرفاوی در تیم جوانان را به او پیشنهاد کنید!



چه کسی فکرش را می‌کرد؟

در مورد رویارویی قریب‌الوقوع سردار آزمون و رامین رضاییان

با تغییرات رخ داده در کادر فنی تیم ملی، طبیعتاً فخرست بازیکنان هم دچار دگرگونی خواهد شد. از همان لحظه اول معرفی کارلوس کی‌روش به‌عنوان سرمربی جدید، شایعه بازگشت رامین رضاییان به تیم ملی سر زبان‌ها افتاد؛ بازیکن مورد علاقه کی‌روش که در جام جهانی ۲۰۱۸ هم فیکس بود، اما دراگان هرگز او را دعوت نکرد. اسکوچیچ در این مدت انتقادات زیادی را بابت عدم دعوت از رضاییان تحمل کرد، اما هرگز از نظرش برنگشت. او می‌گفت در فاز دفاعی به رضاییان اعتماد ندارد و عملکرد این بازیکن برایش متقاعدکننده نیست. هر چند هم‌زمان شایعاتی هم در مورد غیرفنی بودن عدم دعوت از رضاییان به گوش می‌رسید. این جریان ادامه داشت تا اینکه در صفت‌بندی‌هایی که این اواخر بین بازیکنان به وجود آمد، رضاییان هم کنار مخالفان ایستاد. عجیب‌زادگی دارد.